

آموزش و آزمون

منطق و فلسفه

ویرایش پنجم (آمادگی کنکور ۹۷)

(بر اساس کنکورهای دهه‌ی ۹۰ و کتاب‌های جدید)

قابل استفاده: داوطلبان کنکور علوم انسانی

دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

مؤلف: اصغر حجازیان

به نام خدا

با یاد «مرحوم ناصر فراهانی عزیز»

مقدمه‌ی مؤلف

یکی از گرفتاری‌های جامعه‌ی بشری، «روزمرگی» و درگیر عقل معاش بودن است که در بستر چرخه‌ی پرشتاب مدرنیته و زندگی ماشینی، فرصت خوداندیشی و خردگرایی، بسیار محدود شده است، چیزی که شاید برای جوامع سنتی، امکان‌پذیرتر می‌نمود. برخی می‌پندارند فلسفه، کلی‌بافی از سر بی‌دردی است و نمی‌تواند زندگی بشر را رهنمودی باشد، در حالی که واقعیت تاریخی بشر همیشه گویای این پرسش بوده است که:

«از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایم و وطنم»

فلسفه، در یک کارکرد عمومی برای ما ایستگاه‌های تفکر را ایجاد می‌کند تا به فضل خدا بتوانیم به ساحل آرامش برسیم، قدر زندگی خود را بدانیم و برای کارها مصمم و هدفمند بوده تا درگیر محض زندگی عادی نباشیم و بتوانیم سمت و سوی زندگی را مشخص کرده و کیفیت آن را ارتقا بخشیم.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد ۱۱)

«رشد و توسعه» یکی از دغدغه‌های بزرگ بشر در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. فلسفه، مددکار انسان در حال رشد به سوی توسعه و بهینه‌سازی امکانات مادی و معنوی است تا به تکامل و پویایی جامعه خویش به طور عقلایی بپردازیم و درگیر تصمیمات آنی و عجولانه نشویم.

«عمر زاغ از بهر سرگین خوردن است» - «عقابها را با سرگین خواری چه کار؟»

به عبارت دیگر، فلسفه، تلاش ذهنی آدمی برای خروج از «اینک‌زدگی» و «تصمیم‌سازی برای آینده» است تا بتواند زندگی کند (در روزگار انسان تنها) و نقشه‌ی راه و سمت‌گیری حیات در دستان فلسفه است؛ حالا «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید».

اما کتاب‌های درسی منطق و فلسفه، فقط می‌تواند بهانه‌ای برای آغاز کندوکاو در مسیر منطق و تحقیق فلسفی باشد و هیچ وقت نمی‌تواند محتوای جامعی ارائه کند. آموزش منطق و فلسفه از سال تحصیلی ۱۳۵۲ در نظام آموزش و پرورش ایران شروع گردیده است.

کتاب «آموزش و آزمون منطق و فلسفه» (شامل آموزش جامع و خط به خط کتاب درسی، تبیین نکات کنکوری به شیوه‌ای نوین، همراه ۱۳۸۵ تست کاملاً به روز) امیدواریم بتواند هم‌محتوای آموزشی کامل و هم مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای مناسبی در کنار کتاب درسی به دانش‌آموزان و همکاران آموزشی ارائه دهد.

«کنکورهای سراسری دهه‌ی ۹۰»

تیپ کنکورهای ۹۱ تا ۹۶ نشان می‌دهد که دیگر باید با تیپ تست‌های گذشته، خداحافظی کرد. چرا که از نظر شکلی و محتوایی، تغییر اساسی کرده است.

لازمه این کنکورها در دو چیز است: ۱- تسلط علمی و فهم موضوع درس ۲- تسلط کامل بر روی متن کتاب درسی. بنابراین داوطلبان کنکور باید اول سعی کنند مطالب را به خوبی براساس کتاب حاضر درک کنند و سپس به متن خود کتاب درسی نیز مسلط شوند. برای تأمین هر دو هدف، ابتدا مجموعه آموزشی دسته‌بندی شده مناسبی به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای هدفمند و آموزشی طراحی و تألیف شده است. به عبارت دیگر هر جای کتاب درسی می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد.

نکته مهم این که، داوطلبان گرامی علاوه بر سه کتاب اصلی (منطق و فلسفه سال سوم و فلسفه پیش‌دانشگاهی) باید به کتاب «آموزش منطق» تألیف محسن غرویان، انتشارات دارالعلم، هم نظری داشته باشند چراکه دانش‌آموزان علوم و معارف اسلامی، غیر از سه منبع یاد شده، از این کتاب در دوره پیش‌دانشگاهی بهره می‌برند که می‌تواند در کنکور مؤثر باشد به ویژه بخش صناعات خمس و اقسام مغالطه.

آموزش و آزمون «منطق و فلسفه»، مِرهون لطف آقای یحیی دهقانی، مدیریت محترم مبتکران، رهنمودهای سازنده‌ی همکاران عزیزم، (در آموزش و پرورش - کلاس‌های کنکور) به ویژه خانم دکتر حمیده فلاح و آقایان مجتبی علی‌اکبر، محسن بهادر و محمد فخرالدین مرشدی و دقت نظر ویراستاری خانم‌ها: مریم مینایی، فاطمه حجازیان، کتایون نیرومند، شیرین روشنی، فائزه نامداری، فائزه اصغری، سارا یزدانی، نیکان پهلوان و آقایان: بردیا شیخ‌الاسلامی، حامد یدایی، امیرحسین قدیانی، داوود عرفانیان، مهدی محمددوست و کوشش همکاران واحد تولید، حروفچینی و طراحی جلد، به ویژه سرکار خانم‌ها فیروزه مرادی، سکینه مظاهری، سمیه آهنگر، سمانه ایمان‌فرد، مینا هرمزی، نسیم مرادی و آقای خدایار مبین که در اینجا از لطف همه‌ی این عزیزان، سپاسگزارم.

در پایان از معلمان فرهیخته، دانشجویان نکته‌سنج و همه‌ی اهل خرد خواهشمندم لغزش‌های احتمالی یا راهکارهای بهتر شدن این مجموعه یا هرگونه پیشنهاد خود را به شماره ۰۹۳۹۳۸۳۹۳۸۸ یا به آدرس الکترونیکی editor@mobtakeran.com ارائه دهید.

راستان رستگاران؛ شایستگان ماندگار

اصغر حجازیان

فهرست مطالب

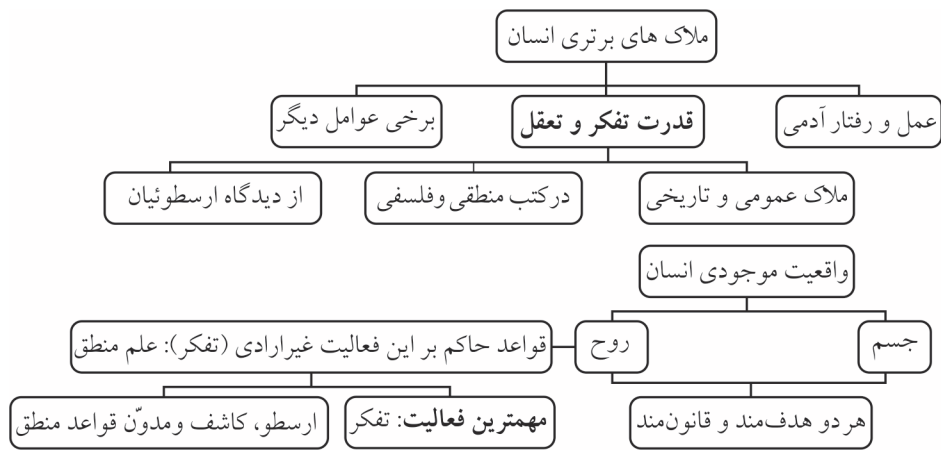
شماره‌ی صفحه	عنوان	شماره‌ی صفحه	عنوان
۲۳۹.....	فصل چهارم: مبانی حکمت مشاء (۲).....		منطق:
۲۵۹.....	فصل پنجم: نمایندگان مکتب مشاء (۱) فارابی.....	۷.....	درس اول: انسان و تفکر.....
۲۶۷.....	فصل ششم: نمایندگان مکتب مشاء (۲) ابن سینا.....	۱۳.....	درس دوم: چگونه تعریف می‌کنیم.....
۲۸۱.....	فصل هفتم: افول حکمت مشاء.....	۲۷.....	درس سوم: تعریف و دنیای مفاهیم.....
۲۸۸.....	فصل هشتم: حکمت اشراق.....	۴۱.....	درس چهارم: کلیات خمس (اقسام ذاتی و عرضی).....
۳۰۴.....	فصل نهم: جریان‌های فکری عالم اسلام.....	۵۱.....	درس پنجم: اقسام تعریف.....
۳۱۱.....	فصل دهم: صدرالمتهلین.....	۵۷.....	درس ششم و هفتم: قضیه و اقسام آن.....
۳۱۷.....	فصل یازدهم: مبانی حکمت متعالیه.....	۶۹.....	درس هشتم: احکام قضایای حملی.....
۳۲۸.....	فصل دوازدهم: حکمای معاصر.....	۸۱.....	درس نهم: استدلال (ترکیب قانون‌مند قضایا).....
۳۳۶.....	فصل سیزدهم: حیات فرهنگی.....	۸۹.....	درس دهم: اقسام قیاس.....
	پیوست‌ها و جمع‌بندی:	۱۰۷.....	درس یازدهم: ارزش قیاس.....
۳۴۲.....	- ترین‌ها.....	۱۱۳.....	درس دوازدهم و سیزدهم: محتوای استدلال و صناعات خمس.....
۳۴۴.....	- نخستین‌ها.....		فلسفه (سال سوم):
۳۴۵.....	- شعرها و ابیات.....		بخش اول = معنا و قلمرو فلسفه
۳۴۹.....	- آیات و روایات.....	۱۳۱.....	فصل اول: فلسفه چیست؟ (۱).....
۳۵۱.....	- استادان / کتاب‌شناسی.....	۱۴۲.....	فصل دوم: فلسفه چیست؟ (۲).....
۳۵۵.....	- تمثیل و تشبیه در مفاهیم فلسفی.....	۱۴۹.....	فصل سوم: فلسفه چیست؟ (۳).....
۳۵۶.....	- نقل قول‌ها در فلسفه.....		بخش دوم = نخستین فلاسفه بزرگ
۳۵۹.....	- جمع‌بندی موضوعی.....	۱۵۶.....	فصل چهارم: آغاز فلسفه.....
۳۶۷.....	- پاسخ تمرینات کتاب فلسفه پیش.....	۱۶۶.....	فصل پنجم: شهید راه حکمت (سقراط).....
		۱۷۹.....	فصل ششم: گوهرهای اصیل و جاودانه (افلاطون).....
		۱۹۱.....	فصل هفتم: علت‌های چهارگانه (ارسطو).....
			فلسفه‌ی اسلامی (سال چهارم / پیش‌دانشگاهی):
		۲۰۳.....	فصل اول: کلیات.....
		۲۱۹.....	فصل دوم: روند آشنایی، تأسیس و تکامل فلسفه‌ی اسلامی.....
		۲۳۰.....	فصل سوم: مبانی حکمت مشاء (۱).....

منطق

درس اول

انسان و تفکر

راهنمای یادگیری



منطق: دانش تشریح طرز کار ذهن برای استفاده‌ی درست‌تر، دقیق‌تر، سریع‌تر و خطای کم‌تر تفکر

ملاک‌های برتری «انسان»

اشرف مخلوقات و گل سرسبد آفرینش بودن انسان، ناشی از **ملاک‌های مختلفی** است مانند:

۱- **عمل و رفتار انسان:** پیچیدگی و تنوع رفتار آدمی در عرصه‌های گوناگون از یک سو، غیرقابل شناخت آن از سوی دیگر، می‌تواند انسان را از سایر حیوانات متمایز کند.

۲- **اراده و اختیار:** این که انسان، دست به انتخاب می‌زند؛ انتخابی آگاهانه و هدفدار که به روند تکاملی او یاری می‌رساند. عنصر «تصمیم» و اتکای به آگاهی ذخیره شده و فرهنگ، از اسباب برتری انسان قلمداد می‌شود.

۳- **تفکر و تعقل:** عمومی‌ترین و باسابقه‌ترین ملاک که «**ارسطوئیان**» نیز به آن باور دارند «قدرت تفکر و اندیشه» است و از این رو در تعریف انسان به مفهوم «حیوان ناطق» تأکید می‌کنند.

۴- و ...



۱: «تفکر» بزرگ‌ترین نعمتی است که خدا وجود ما را با آن آراسته است و زیباترین نوع بندگی خداوند، تفکر شمرده شده است: «هیچ بندگی‌ای مانند تفکر نیست. امام علی(ع)»
 «انسان متفکر»، انسانی در مسیر سعادت و «جامعه‌ی متفکر»، جامعه‌ای در مسیر پیروزی و سربلندی است.
 ۲: اصل پدیده تفکر، یک امر **تکوینی و غیراختیاری** است ولی رشد یا تضعیف آن، یک امر **ارادی و اختیاری** است.
 ۳: در تاریخ فلسفه، به کسانی که مبانی اصلی فلسفه‌ی **معلم اول ارسطو** (فیلسوف قرن ۴ ق. م) را پذیرفته‌اند، «**ارسطوئیان**» یا «**مشائیان**» می‌گویند.

۴: اقسام **نطق**:
 ۱- **نطق ظاهر**: تکلم، تلفظ و سفنگو بودن
 ۲- **نطق باطن**: تعقل، تفکر و اندیشیدن

۵: معمولاً در کتاب‌های منطقی و فلسفی، مقصود از «نطق» همان تفکر و تعقل است که در سخن گفتن **تجلی** می‌کند و خود را نشان می‌دهد: «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد»

منطق و ساختار وجود انسان

۱- وجود انسان، متشکل از **روح** و **جسم** است: فعالیت روح و جسم انسان، کاملاً **هدفمند و قانونمند** است.

«تفکر» مهم‌ترین فعالیت **روح** انسان است و لذا «منطق»، صرفاً با روح سروکار دارد.

۲- منطق با کشف قواعد حاکم بر دنیای تفکر به سرعت، دقت و درستی آن کمک می‌کند: بهره‌برداری بهتر از فرآیند **طبیعی** تفکر.
 ۳- از مقایسه‌ی قلب و ذهن انسان می‌توان گفت: دانش و آگاهی ما از طرز کار آنها تنها می‌تواند به استفاده‌ی بهتر از آنها منجر شود. ذهن انسان هم در چهارچوب قوانینی فعالیت می‌کند و زنده ماندن ذهن با «اندیشیدن» است.

منطق و فایده‌ی آن

الف - تعریف:
 «**علم منطق**»: دانش تشریح طرز کار ذهن در عمل تفکر ← منطق تدوینی
 «**منطق**»: قواعد حاکم بر دنیای تفکر است ← منطق تکوینی

«منطق / لوژیک Logic» (از لفظ «لوگوس Logos» گرفته شده که هم به معنی «فکر و خرد» است و هم به معنی «سخن و تکلم»)

ب - منطق: کشف یا ابداع؟

۱- منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ کس ابداع‌کننده‌ی آن نیست.
 ۲- ارسطو فقط طرز کار **خدادادی** ذهن در تفکر را **کشف** و **تدوین** کرد؛ یعنی معلم اول **کاشف و مدون** قواعد منطق است و نه طراح و بنیانگذار آن. ولی ارسطو، علم منطق را تأسیس کرد.

۳- به لحاظ تاریخی، «سوفسطائیان» زمینه‌ی توجه به منطق را فراهم کردند و فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون در این باره تلاش کردند ولی این ارسطو بود که نخستین بار به تدوین و تنظیم اصول منطق، همت گماشت. مجموعه‌ی رساله‌های منطقی او به «ارغنون» شهرت دارد.

۴- منطق از علوم آلی است: یعنی علمی که در اصل برای کاربرد در علم دیگر نظیر فلسفه تدوین شده‌اند. در مقابل، علوم اصلی علمی هستند که مقدمیت برای علم دیگر ندارند نظیر فلسفه (به نقل از کتاب «آموزش منطق»، محسن غرویان، ص ۱۸) پس، عنوان درست این درس، «منطق و فلسفه» است.

پ - فایده‌ی منطق و آشنایی با درست اندیشیدن

تسریع و بهبود تفکر

کاهش و مانع بروز برخی اشتباهات فکر

می‌گویند موقعی که در آمریکا همه در جستجوی طلا بودند،
یک نفر با فروش «پیل» میلیونر شد، ولی هیچ‌کس طلا پیدا نکرد.
متفاوت بودن و درست اندیشیدن، راهکار موفقیت است.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



- ۱- درباره‌ی این که ملاک برتری انسان نسبت به سایر حیوانات چیست؟ چه ملاک و پاسخی را می‌توان دریافت کرد؟
- (۱) ملاک تفکر و قدرت اندیشه
(۲) پاسخها و عوامل گوناگون
(۳) معیار عمل و رفتار انسان
(۴) برخورداری از اراده و اختیار
- ۲- سرگذشت تفکر با آغاز می‌شود و وجود انسان، آمیزه‌ای از است.
- (۱) آفرینش انسان - جسم و روح
(۲) پیدایش خط و آغاز دوره‌ی تاریخی - جسم و روح
(۳) آفرینش انسان - عقل و روح
(۴) پیدایش خط و آغاز دوره‌ی تاریخی - عقل و روح
- ۳- آن چه مقصود از «نطق» در آثار منطقی و فلسفی است، چگونه تجلی می‌یابد؟ عمومی‌ترین و باسابقه‌ترین ملاک برتری انسان نسبت به سایر حیوانات چیست؟
- (۱) سخنگو بودن - قدرت تفکر و اندیشه
(۲) تفکر و تعقل - کیفیت سخنگو بودن
(۳) سخنگو بودن - عمل و رفتار انسان
(۴) تفکر و تعقل - قلمروی آگاهی و شناخت
- ۴- پیروان مبانی اصلی فلسفه‌ی معلم اول را می‌نامیدند که برای تأکید بر جایگاه انسان را تعریف کرده‌اند.
- (۱) مشائیان، اندیشه، حیوان ابزارساز
(۲) ارسطوئیان، روح، حیوان ناطق
(۳) مشائیان، روح، حیوان ابزارساز
(۴) ارسطوئیان، اندیشه، حیوان ناطق
- ۵- «هدف‌داری و قانونمندی» ویژگی کدام جنبه از ساختار وجودی انسان است؟
- (۱) وجود انسان، متشکل از جسم و روح است ولی این ویژگی‌ها بر «روح» انسان حاکم است.
(۲) وجود انسان، متشکل از جسم و روح است ولی این ویژگی‌ها بر «جسم» انسان حاکم است.
(۳) فعالیت روح و جسم آدمی کاملاً هدف‌دار و قانونمند می‌باشد.
(۴) فعالیت روح و جسم آدمی کاملاً طبیعی و خدادادی بوده و تابع هیچ ضابطه و قانونی نیست.
- ۶- مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و نقش «منطق» در این باره
- (۱) استدلال - تبیین قواعد استدلال درست
(۲) اندیشیدن - تبیین قواعد حاکم بر آن
(۳) تفکر - تبیین اقسام تفکر
(۴) تعریف - تبیین شرایط تعریف درست
- ۷- از مقایسه‌ی «قلب و ذهن» می‌توان گفت:
- (۱) هر دو در چهارچوب قوانینی فعالیت می‌کنند.
(۲) کارکرد قلب، بطور طبیعی بوده ولی ذهن، به صورت اکتسابی است.
(۳) هر دو از نیروی اراده و اختیار انسان پیروی می‌کنند.
(۴) دانش و آگاهی ما نمی‌تواند به استفاده‌ی بهتر از این اعضا منجر شود.
- ۸- چرا نمی‌توان ارسطو را ابداع‌کننده‌ی منطق دانست؟ زیرا:
- (۱) پیش از او، فیلسوفانی نظیر سقراط و افلاطون، به این مهم رسیده بودند.
(۲) پس از او، فیلسوفانی نظیر افلوپین و فارابی، به این مهم رسیده بودند.
(۳) منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و ارسطو فقط، بنیان‌گذار قواعد منطق است.
(۴) طرز کار ذهن، خدادادی است و ارسطو فقط این فرآیند را کشف کرد.
- ۹- تفکر انسان با خلقتش آغاز می‌شود لیکن اصول و قواعد حاکم بر تفکر توسط و از کشف شد.
- (۱) افلاطون - قرن ۵ ق.م
(۲) ارسطو - قرن ۴ ق.م
(۳) ارسطو - قرن ۵ ق.م
(۴) افلاطون - قرن ۴ ق.م
- ۱۰- «منطق» چگونه علمی است؟
- (۱) دانش ابداع طرز کار ذهن برای تفکر بهتر
(۲) آموزش تولید و توسعه‌ی دانش با اصول درست اندیشیدن
(۳) دانش ابداع ضوابط تفکر و برای تسریع و بهبود تفکر
(۴) آموزش طرز کار ذهن برای درست اندیشیدن و خطای کم‌تر

۱۱- درباره‌ی منطق ارسطویی نمی‌توان گفت:

- (۱) یاری در درست اندیشیدن و ممانعت از بروز برخی اشتباهات تفکر، جزو فایده‌های منطق است.
- (۲) منطق، برنامه‌ای است که منطقیون می‌سازند تا به کار بستن آن از خطای فکر مصون بمانیم.
- (۳) منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر و برای بهره‌برداری بهتر از این فرآیند طبیعی است.
- (۴) ارسطو با کشف و تدوین طرز کار ذهن، چگونگی فعالیت و خطای ذهن را گوشزد کرد.

۱۲- چرا «ارسطوئیان» انسان را «حیوان ناطق» می‌نامند؟

- (۱) برای تأکید بر جایگاه والای اندیشه
- (۲) صخه گذاشتن بر روند طبیعی و خدادادی بودن تفکر
- (۳) برای رسیدن به تفکر بهتر و خطای کم‌تر
- (۴) صخه گذاشتن بر اشرف مخلوقات بودن انسان

۱۳- نسبت معلم اول به منطق، همانند به نیست.

- (۱) گراهام بل - تلفن
- (۲) نیوتن - جاذبه
- (۳) ویلیام هاروی - گردش خون
- (۴) گالیله - گردش زمین به دور خورشید

۱۴- شرط زنده بودن ذهن در چیست و رعایت ضوابط حاکم بر آن چگونه است؟

- (۱) توجه به ساختار جسمانی و روحانی انسان - طبیعی و خدادادی
- (۲) توجه به ساختار جسمانی و روحانی انسان - ارادی و اختیاری
- (۳) تفکر و اندیشه کردن - طبیعی و خدادادی
- (۴) تفکر و اندیشه کردن - ارادی و اختیاری

۱۵- از دیدگاه «انسان، حیوان ناطق است» و منظور از «نطق» در آثار منطقیون و فیلسوفان نیست ولی در آشکار می‌شود.

- (۱) اصالت عقل، تفکر و قدرت اندیشه، سخن گفتن
- (۲) اصالت عقل، سخن گفتن، تفکر و اندیشه
- (۳) ارسطوئیان، سخن گفتن، سخن گفتن
- (۴) ارسطوئیان، تفکر و قدرت اندیشه، تفکر و اندیشه

۱۶- ارسطو، مبدع علم منطق و انسان منطقی قوانین و ضوابط منطق است و آن جا که هدف انسان درک «چیستی» یک مفهوم باشد، دست به دامان می‌شود.

- (۱) است - کاشف - تعریف
- (۲) است - مدوّن - استدلال
- (۳) نیست - مدوّن - استدلال
- (۴) نیست - کاشف - تعریف

۱۷- اساس تفکر در انسان، ارادی و حیات ذهن به است و وظیفه‌ی «علم منطق» می‌باشد.

- (۱) نیست - اندیشیدن - آشنایی انسان با طرز کار ذهن
- (۲) است - اندیشیدن - آشنایی انسان با طرز کار ذهن
- (۳) است - نطق - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن
- (۴) نیست - نطق - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن

۱۸- ارسطو را می‌نامند، وی منطق است و ارسطوئیان به کسانی می‌گویند که

- (۱) معلم اول - مدوّن - در فلسفه مقلّد ارسطو هستند.
- (۲) معلم اول - طراح قواعد - مبانی فلسفی ارسطو را پذیرفته‌اند.
- (۳) معلم اول - مدوّن - مبانی فلسفی ارسطو را پذیرفته‌اند.
- (۴) معلم ثانی - مدوّن - در فلسفه از ارسطو تبعیت می‌کنند.

۱۹- با توجه به این‌که منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد، کدام مورد صحیح نیست؟

- (۱) انسان به حکم این‌که انسان است، منطقی است.
- (۲) همه انسان‌ها کم و بیش منطقی فکر می‌کنند.
- (۳) توجه یا اراده‌ی ما، سازنده قواعد منطقی نیست.
- (۴) آگاهی و اراده، نقش چندانی در تفکرات ما ندارند.

۲۰- در مقایسه‌ی فعالیت قلب و کار ذهن می‌توان گفت:

- (۱) دانش، در کارکرد اولی هیچ نقشی ندارد، برخلاف دومی
- (۲) هر دو براساس قوانین خاصی فعالیت می‌کنند، اولی ناآگاهانه و دومی آگاهانه.
- (۳) اصل حیات ذهن یعنی فکر، همچون کار قلب، غیر اکتسابی است.
- (۴) زندگی قلب به کار آن وابسته است. اما فعالیت فکری بدون آگاهی ادامه پیدا نمی‌کند.

(سئمش اسفند ۹۲)

۲۱- همه‌ی انسان‌ها از نظر منطقی، متفکر و کار منطقی

- (۱) هستند - افزودن سرعت، دقت و کیفیت تفکر است.
 (۲) نیستند - کمک در جهت متفکر ساختن انسان‌هاست.
 (۳) هستند - این است که قوانین درست تفکر را آموزش دهد.
 (۴) نیستند - آموزش بهره‌برداری بهتر از فرآیند ذهن است.

(سئمش فررداد ۹۳)

۲۲- کدام عبارت درباره‌ی ملاک برتری انسان مناسب‌تر است؟

- (۱) ارسطوئیان همگی، انسان را حیوانی می‌دانند که قادر به سخن گفتن است.
 (۲) اندیشمندان به اتفاق، ملاک برتری انسان را قدرت اندیشه‌اش دانسته‌اند.
 (۳) انسان حیوانی است که ابتدا اندیشیدن را می‌آموزد و سپس سخن گفتن را؛ پس حیوان ناطق است.
 (۴) معمولاً و غالباً اندیشه عامل برتری انسان شمرده شده است؛ اما نظرات دیگری نیز وجود دارد.

(سئمش فررداد ۹۳)

۲۳- کدامیک در مورد قدرت تفکر انسان درست نیست؟

- (۱) وجود آن در آدمی ارادی نیست.
 (۲) قابل پرورش و تربیت است.
 (۳) به جز افرادی خاص، همه‌ی آدمیان از آن برخوردارند.
 (۴) قوانینی دارد که ارادی یا مورد توجه ما نیست.
- ۲۴- درباره‌ی «دانش منطق» می‌توان گفت:
- (۱) بدون آن نوعی اختلال در فرآیند تفکر ایجاد می‌شود.
 (۲) با استفاده از آن می‌توان کارکرد طبیعی ذهن را ارادی کرد.
 (۳) امکان استفاده از فرآیند تفکر را به ما می‌دهد.
 (۴) درباره‌ی یکی از ابعاد وجود انسان سخن می‌گوید.

معلم اول: ارسطو معلم ثانی: فارابی معلم ثالث: میرداماد



پاسفناهی کلیدی

	۱	۲	۳	۴
۱	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۶	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

	۱	۲	۳	۴
۷	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۹	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۱۱	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۲	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

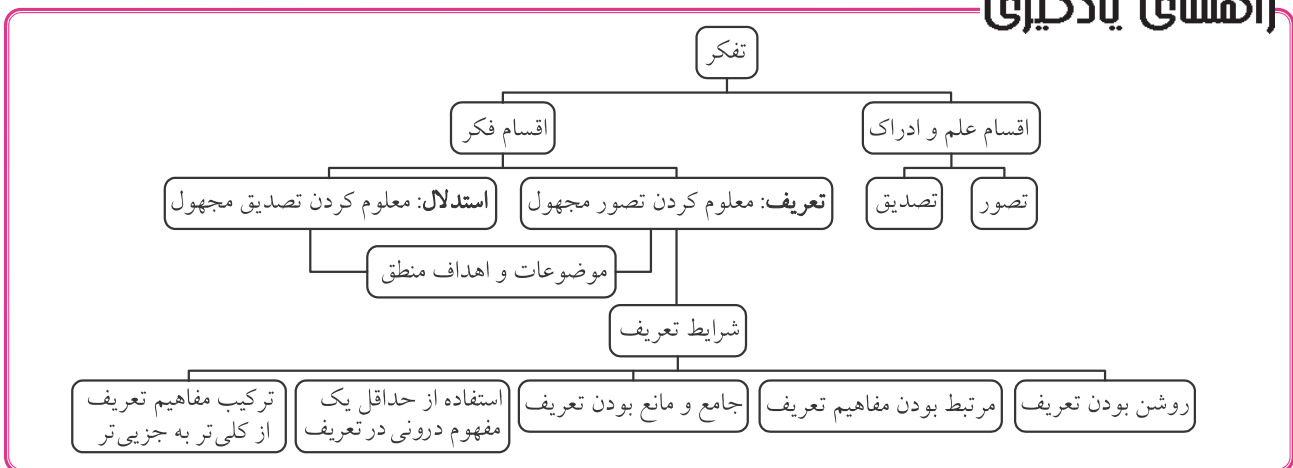
	۱	۲	۳	۴
۱۳	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۱۷	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

	۱	۲	۳	۴
۱۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۲۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۲۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

درس دوم

چگونه تعریف می‌کنیم؟

راهنمای یادگیری



◀ مقدمه: اراده و تفکر

- ۱- فکر کردن، ذاتی انسان است و از او جدا نمی‌شود: یعنی انسانی نیست که از این ویژگی برخوردار نباشد.
- ۲- تفکر، امری طبیعی، خدادادی و غیرارادی است لیکن **مسائل و موضوعات** تفکر، به اراده و انتخاب خودمان است و سامان‌دهی تفکر، اسباب اشتباه کم‌تر را فراهم می‌کند.
- ۳- نقش و اهمیت تفکر:
 - ۱-۳. رسیدن به دانش و شناخت
 - ۲-۳. رسیدن به شناخت‌های جدید و توسعه‌ی علم

◀ علم و اقسام آن

صورت‌های محسوس: صداها، بوها، رنگ‌ها و...

صورت‌های معقول: مفاهیم خیالی و...

اسناد بین صورت‌ها: جمله‌ها و قضیه‌ها

الف - تعریف «علم»: صورتی از هر شیئی در ذهن = صورت‌های ذهنی

ب - اقسام علم و ادراک: نخستین بار معلم ثانی «فارابی» علم را به تصور و تصدیق تقسیم کرد که مورد پذیرش منطقیون بعدی نیز قرار گرفت.

۱- تصور: صورت ذهنی بدون نسبت، و حکم و قضاوت، مانند } کلمه: حسن، مثلث، درخت
 عبارت بدون فعل: شوری ناهار امروز، باهوش بودن حسن
 جمله‌ی مرکب ناقص: مردی که آمد، درسی که خواندیم.

برای رسیدن به پیوستگی یک مفهوم و تصور، از تعریف بهره می‌بریم.



۲- تصدیق (قضیه و جمله‌ی خبری): علم برخوردار از حکم، نسبت و قضاوت درباره‌ی چیزی؛ یعنی از واقعیت داشتن یا نداشتن چیزی سخن می‌گوییم.

مانند: حکم به ایجاب چیزی: حسن باهوش است / حکم به باهوش بودن حسن.
 حکم به سلب چیزی: حسن باهوش نیست / حکم به باهوش نبودن حسن.

راه تشفیص تصدیق از تصور: داشتن یا نداشتن حکم، نسبت و قضاوت است.

اگر جمله فبری باشد، تصدیق می‌باشد، در غیر این صورت، تصور است.



* تمرین:

تصور یا تصدیق بودن موارد زیر را تعیین کنید:

- ۱) سبزی هر چمن: (۲) دل دیوانه: (۳) اصفهان، نصف جهان:
 ۴) سالی که نکوست: (۵) غاصب بودن اسرائیل: (۶) این قافله عمر عجب می‌گذرد:
 پاسخ گزینه‌ی ۳: فقط شماره «۳» تصدیق است و حکم و قضاوتی را می‌رساند. بقیه موارد تصورند.
 حال شما بگید:

کدام یک از مثال‌ها تصور و کدام یک تصدیق است؟

- ۱- جشن دانش‌آموختگان رشته انسانی دبیرستان فرهنگ تهران برگزار شد.
- ۲- برگزاری جشن دانش‌آموختگان رشته انسانی دبیرستان فرهنگ تهران
- ۳- زمانی که جشن دانش‌آموختگان رشته انسانی دبیرستان فرهنگ تهران برگزار شد.
- ۴- چه جشن باشکوهی برگزار شد.

< لفظ و اقسام آن

الف - تعریف لفظ: صوتی که در هوا پخش شده و از بین می‌رود ← اختراع خط

ب - اقسام لفظ:

۱- لفظ مفرد: لفظی که از یک جزء تشکیل شود.

۱-۱. اسم: لفظ مفرد معناداری که زمان ندارد (حسن / رفتن)

۱-۲. فعل / کلمه: لفظ مفردی که معنا، زمان و حالتی را بیان می‌کند. (رفت)

۱-۳. حرف / ادات: لفظ مفردی که فاقد معنا و زمان است (از - تا - با - را)

۲- لفظ مرکب: لفظی که از چند جزء تشکیل شده است.

۲-۱. **مرکب تام:** معنای کاملی داشته و شنونده منتظر نیست
خبری: قابل تصدیق و تکذیب است: هوا سرد است.
انشایی: قابل تصدیق و تکذیب نیست: هوا سرد است؟

۲-۲. **مرکب ناقص:** معنای کاملی نداشته و شنونده منتظر هست
وصفی: گل زیبا
اضافی: گل باغ

لفظ مرکب تام فبرى = فبر = جمله فبرى = تصدیق = قضیه = قول بازم

اقسام لفظ مرکب تام انشایی (تصور ممسوب می‌شود):



- ۱- امر: رو افتادگی آموز.
- ۲- نهی: مرنج و مرنجان.
- ۳- استفهامی: به کجا چنین شتابان؟
- ۴- عاطفی: مردم بالا دست چه صفایی دارند؟
- ۵- تمنا: خواهشمندم اقدام کنید.
- ۶- ترحمی: ای کاش قدر یکدیگر بدانند.
- ۷- ندایی: ای ایران، ای مرز پرگوهر

* تمرین:

کدام یک از معلومات زیر تصورند؟ کدام یک تصدیق؟

- ۱- چرا رفتی؟
- ۲- رشته‌های انسانی بسیار پویا هستند:
- ۳- دیوار بلند حاشا:
- ۴- صد بار اگر توبه شکستی بازآ:
- ۵- آش رشته افطاری مادر بزرگ حسن:
- ۶- ای کاش جوانی باز آمدندی:

جواب: ۱، ۳، ۵ تصدیق؛ ۲، ۴، ۶ تصور

← فکر و اقسام آن

الف - تعریف فکر: مرتب ساختن معلومات (چه تصویری و چه تصدیقی) برای کشف مجهول است یعنی؛ حرکت ذهن از دانسته‌ها به سوی آشکار کردن ندانسته‌ها.

ب - اقسام فکر: از آنجا که علم ما دو گونه است (تصور و تصدیق)، مجهولات ما هم دو دسته است و انسان در فعالیت فکری خود، یکی از دو کار زیر را انجام می‌دهد:

- ۱- **فکر تصویری (تعریف):** تصور مجهول را از تصورات و مفاهیم معلوم بدست می‌آورند:
 - ۱-۱. «معرف» تصورات معلومی که برای کشف تصور مجهول به کار می‌رود (تعریف کننده)
 - ۱-۲. «معرف»: تصور مجهول معلوم شده (تعریف شده)

مانند: منطق؟ دانش تشریح طرز کار ذهن برای تفکر بهتر ← «منطق»
 تصور مجهول معرف معرف
 تعریف

۲- **فکر تصدیقی (استدلال):** تصدیق مجهول را از تصدیق‌های معلوم، بدست می‌آورند و اثبات می‌کنند یعنی راه دستیابی به حکم و تصدیق جدید، استدلال است:

نگته استدلال و محبت: راه (سیدن به یک مک، قضیه و تصدیق جدید یا معلوم کردن یک تصدیق مجهول است.

- ۲-۱. تصدیق مجهول ← پیش از اثبات ← قضیه‌ی مطلوب
- پس از اثبات ← قضیه‌ی نتیجه

۲-۲. «مقدمه»: هر تصدیق معلومی که برای کشف و اثبات قضیه‌ی مجهول به کار می‌رود.
 ۲-۳. «استدلال»: چند تصدیق معلوم که برای کشف و اثبات قضیه‌ی مجهول به کار می‌رود.

قضیه‌ی مطلوب: شراب موز حرام است؟

استدلال } مقدمه ۱: شراب موز مسکر است.
 نتیجه ← شراب موز حرام است.
 مقدمه ۲: هر مسکری حرام است.

پس: متوجه شدیم
 تعریف می‌خواهد یک تصور و مفهوم را روشن کند.
 استدلال می‌خواهد ما را به یک حکم جدید برساند.

پرسش ۱: اگر کسی نداند «منطق» چیست؟ چگونه برایش معلوم می‌کنیم؟

۱- تعریف
 ۲- استدلال
 ۳- تفکر
 ۴- با معلومات پیشین

پاسخ گزینه‌ی ۱: چون «منطق» تصور مجهول است باید از تصورات و مفاهیم معلوم، معلومش کنیم ← تعریف

پرسش ۲: اگر کسی نداند «خدا یگانه و یکتا است» چگونه برایش معلوم می‌کنیم؟

۱- تعریف
 ۲- استدلال
 ۳- تفکر
 ۴- با معلومات پیشین

پاسخ گزینه‌ی ۲: چون برای معلوم کردن تصدیق مجهول باید از تصدیق‌های معلوم (استدلال) کمک گرفت.

گسترده و پیچیده‌اند.

۱: «ارسطو» کشف کرد که تمام فعالیت‌های ذهن بشر (تفکر) یا در راه تعریف کردن است یا استدلال کردن.

اول - تعریف: روشن کردن تصورات مجهول با اندوخته‌های تصویری

۲: موضوعات علم منطق (کارکردهای اصلی منطق)

دوم - استدلال: سازماندهی امکام و قضایا برای رسیدن به نتایج جدید

۳: "فضای فکر": یا هنگام تعریف کردن است یا هنگام استدلال کردن است.

هدف اول - درست تعریف کردن (پاسفگویی به پیست‌ها)

هدف دوم - درست استدلال کردن (پاسفگویی به پراها)

۴: هدف‌های منطق: آموزش شیوه‌ی درست اندیشیدن

تعریف

ذهن با رعایت قواعد خاصی به «تعریف» و روشن شدن مفاهیم می‌پردازد. یعنی برای روشن کردن یک تصور باید از تصورات دیگر کمک گرفت و نه تصدیق. مثلاً اگر کسی نداند «گروه» چیست؟ برایش با استفاده از تصورات معلوم دیگر، «تعریف» می‌کنیم: «تعدادی از افراد که با زندگی کنارهم، هدف واحدی را دنبال می‌کنند.»

۱- آوردن نمونه‌ی خارجی و مصداق عینی (سیب، لوح فشرده، کتاب)

۲- در آزمایشگاه و با ابزار آزمایشگاهی (میکروب با میکروسکوپ)

۳- با استفاده از مفاهیم معلوم پیشین و با رعایت قواعد تعریف

الف- راه‌های شناساندن یک مفهوم

- ۱-۱. در همه‌ی مراحل زندگی و به دفعات فراوان
- ۱-۲. برای توسعه‌ی دانش خود (متناسب با آگاهی و دانش خود)
- ۱- در حیطه‌ی شخصی
- ۲- در حیطه‌ی علمی «دروازه‌ی ورود به هر علم»، آشنایی و تعریف اصطلاحات و مفاهیم آن علم است
- دانشمندان سعی دارند پیش از ورود به مسائل هر علم، تصور روشن و مشخصی از موضوعات مورد بحث ارائه کنند تا معلوم شود که دقیقاً درباره‌ی چه چیزی سخن می‌گویند.

تصور و تصدیق، اقسام «علم» هستند ولی تعریف و استدلال، اقسام «تفکر».



پ - قواعد تعریف: ارسطو کشف کرد که انسان هنگام «تعریف»، قواعد زیر را رعایت می‌کند:

۱- استفاده از مفاهیم روشن و اجلی در تعریف = در تعریف نباید از مفاهیم مبهم‌تر و اخفی استفاده کرد.

مثال ۱: اگر در تعریف «آتش» بگوییم: «عنصری شبیه نفس انسان»، تعریف مبهم‌تر و اخفی بوده و روشن نیست.

مثال ۲: در تعریف «خدا» بگوییم: اسطوقسی، فوق اسطقس‌های دیگر، تعریف مبهم‌تر و اخفی بوده و روشن نیست.

یادآوری: از این رو هست که «مولانا» می‌فرماید: «چون سروکارت با کودک فتاد خود، زبان کودکی باید گشاد»

مثال‌های دیگر:

- منطق: آلتی که خطا سنجش فکر است. / ژَبد: کف دریا (معلوم نیست کف روی آب یا کف دریا) / شتر: کشتی صحرا (تعبیر مجازی)
- ۲- استفاده از همه یا بخشی از مفاهیم و محتوای درونی آن چیز ← تعریف دقیق: همان‌طور که بعداً خواهیم خواند باید از اوصاف ذاتی یک نوع (جنس و فصل) در تعریف استفاده شود (حداقل از جنس: چه قریب چه بعید).^۱
- مثلاً در تعریف «انسان» بگوییم «موجود دوپایی که بال و پر ندارد»، هر چند انسان را به خوبی از سایر موجودات متمایز می‌کند ولی تعریف پسندیده‌ای نیست زیرا هیچ ویژگی درونی و مهم انسان را بیان نمی‌کند.

مثال‌های دیگر:

خفاش: مرغ زاینده / آتش: لطیف‌تر از جسم / نماز: اظهار بندگی در برابر حضرت دوست و دل بردن از هر چه غیر اوست.

در هر تعریفی باید از مفاهیم درونی استفاده شود ولی از مفاهیم بیرونی و عرضی، گاهی استفاده می‌شود.



- ۳- در ترکیب مفاهیم و تصورات تعریف، از مفاهیم و کلمات عام و کلی‌تر (جنس) شروع کرده و به مفاهیم جزئی‌تر (فصل یا عرض خاص) می‌رسیم. مثلاً: هندوانه: گیاه میوه‌دار بوته‌ای / یونجه: گیاه بی‌میوه علفی.

مثال: در تعریف مستطیل: شکل ← چهارضلعی ← اضلاع دو به دو موازی

خاص‌ترین مفهوم

گسترده‌ترین مفهوم

از مفاهیم ذاتی و عرضی استفاده کرد.

در «تعریف» می‌توان

فقط از مفاهیم کلی استفاده کرد.



۱. توضیح مفاهیم درونی و ذاتی در درس ۳ و جنس قریب و بعید در درس ۴ منطق خواهد آمد.

۴- تعریف باید **جامع** (جامع همه‌ی افراد معرّف) و **مانع** (مانع دخول اغیار) باشد: معرّف و معرّف باید نسبت **تساوی** داشته باشند = تعریف نباید مبین و بی‌ربط باشد. به زبان ساده‌تر یعنی تعریف نباید کم و کاستی داشته باشد و نه اضافه. تعریف باید به طور کامل همه‌ی افراد و مصادیق تصور مجهول را دربرگیرد و نیز نباید شامل افراد اضافه بشود.

مثال ۱: تعریف «انسان» به «حیوان دو پا»: تعریف **اعم** بوده و **مانع اغیار نیست** چرا که شامل برخی حیوانات و پرنندگان نیز می‌شود.

مثال ۲: تعریف «انسان» به «حیوان پز شک»: تعریف **اخص** بوده و **جامع همه‌ی افراد انسان نیست**.

مثال ۳: تعریف «مثلث» به «شکل دارای سه ضلع مساوی»: تعریف **اخص** بوده و جامع همه‌ی مثلث‌ها نیست. (چون فقط مثلث متساوی‌الاضلاع را شامل می‌شود و سایر مثلث‌ها را دربر نمی‌گیرد).

مثال ۴: تعریف «مربع» به «شکل دارای چهارضلع مساوی»: تعریف **اعم** بوده و مانع دخول اغیار نیست (چون شامل لوزی هم می‌شود).

مثال ۵: در تعریف «دایره»: **خط** منحنی بسته که فاصله هر نقطه‌اش تا مرکز به یک اندازه است. این تعریف به علت استفاده از لفظ **خط** یا **پاره‌خط**، بی‌ربط و مبین است چون دایره، سطح و شکل است و نه خط یا پاره‌خط. (نه جامع است و نه مانع)

۵- شناخت معرّف و معرّف نباید موقوف و وابسته به یکدیگر یا محصور به «دور» باشد = تعریف شیء به خود یا به ضد خود باطل است.

مثال ۱: حرکت: انتقال مکانی

مثال ۲: شب: آنچه روز نباشد / روز: آنچه شب نباشد.

* تمرین: هر یک از تعریف‌های زیر چه ایرادی دارند؟

(۱) زمین: سیاره‌ای که به دور خورشید می‌چرخد.

پاسخ: فقط زمین نیست که به دور خورشید می‌چرخد: تعریف **اعم** بوده: مانع نیست. جامع است.

(۲) دایره: شکل منحنی‌الدور

پاسخ: فقط دایره نیست که منحنی‌الدور است مثلاً بیضی هم هست: تعریف **اعم** بوده: مانع نیست. جامع است.

(۳) انسان: حیوان مهندس

پاسخ: مهندس بودن، صفت همه انسان‌ها نیست و بخشی از انسان‌ها را در بر می‌گیرد: تعریف **اخص** بوده: مانع نیست. جامع است.

(۴) تعریف: یکی از اقسام علم

پاسخ: تعریف، یکی از اقسام تفکر است (نه از اقسام علم) لذا تعریف بی‌ربط است (نه جامع است و نه مانع)

(۵) استدلال: یکی از اقسام تفکر

پاسخ: اقسام تفکر شامل تعریف و استدلال می‌شود (فقط استدلال نیست) ← تعریف **اعم** بوده: مانع نیست. جامع است.

(۶) تصور: آنچه برای رسیدن به چیستی یک مفهوم انجام می‌دهیم.

پاسخ: این تعریف بی‌ربط و مبین است چون تصور، صورت ذهنی بدون حکم و قضاوت است. رسیدن به چیستی یک مفهوم را «تعریف» می‌گویند.

ب - هر یک از تعریف‌های زیر، چه ایرادی دارند؟

- ۱- تصدیق: نوعی علم
- ۲- تصدیق: یکی از اقسام تفکر
- ۳ بیضی: شکل دَوْرانی
- ۴- مثلث: سه پاره‌خط که در سه نقطه یکدیگر را قطع می‌کنند.
- ۵- تعریف: فعالیت ذهن برای رسیدن به چرایی یک حکم جدید
- ۶- درخت هلو: درخت میوه‌دار

پاسخ‌نامه:

- ۱- تعریف کلی و اعمّ بوده (شامل تصور هم می‌شود) ← مانع نیست ولی جامع است.
- ۲- تعریف بی‌ربط و مباین است (تصدیق از اقسام تفکر نیست) ← نه جامع است نه مانع.
- ۳- تعریف کلی و اعمّ بوده (شامل دایره هم می‌شود) ← مانع نیست ولی جامع است.
- ۴- تعریف بی‌ربط و مباین است (مثلث، شکل است نه پاره‌خط) ← نه جامع است نه مانع.
- ۵- تعریف بی‌ربط و مباین است (تعریف برای رسیدن به چستی یک تصور و مفهوم است) ← نه جامع است نه مانع.
- ۶- تعریف کلی و اعمّ بوده (فقط شامل هلو نیست) ← مانع نیست ولی جامع است.



۱- مفاهیم بدیهی و پرواضع نظیر وجود، چیز و وامد، تعریف ندارد.

پیمیدگی این‌گونه مفاهیم

۲- علت اصلی مشکل بودن تعریف بر فی مفاهیم
مانند: آزادی، دینداری، انسانیت، زندگی، کشور و... برداشت‌های مختلف از این مفاهیم

انسان با { تسلط بر قواعد منطق
تمرین و تجربه در به کارگیری این‌گونه مفاهیم } تعریف نسبتاً جامع این مفاهیم

۳- وظیفه‌ی منطق در بفش تعریف، فقط تبیین پنجه قاعده‌ی تعریف است و نه تعریف و تبیین اشیا. اگر گاهی به تعریف یک مفهوم علمی پرداخته، از باب «آموزش» بوده و از دیگر علوم کمک گرفته است.

«اراده» یعنی پیروز شدن

در میدانی که همه چیز حکایت از شکست دارد.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- تفکر، امری است لیکن آن، جنبه‌ی ارادی و اختیاری دارد.
- (۱) غیرارادی و غیراختیاری - اقسام و ضوابط
(۲) طبیعی و ذاتی - مسایل و موضوعات
(۳) غیرارادی و غیراختیاری - قواعد تعریف
(۴) طبیعی و ذاتی - شرایط تعریف
- ۲- «تفکر» از چه ابعادی دارای اهمیت است؟
- (۱) رسیدن به شناخت و توسعه‌ی علم
(۲) رسیدن به شناخت و دانش
(۳) رسیدن به شناخت‌های جدیدتر و توسعه‌ی علم
(۴) رسیدن به مفاهیم مجهول
- ۳- اولین کسی که علم را به تصور و تصدیق تقسیم کرد و روش او مورد قبول حکیمان و منطق‌دانان پس از وی قرار گرفت، بود. آن جا که «حکم و قضاوت» وجود دارد، شکل می‌گیرد و بیانگر «چیستی» مفاهیم، همان است.
- (سنجش فروردین ۹۱)**
- (۱) ارسطاطالیس حکیم یونانی - تصدیق - تعاریف
(۲) ابونصر محمد فارابی - تصدیق - تعاریف
(۳) ابونصر محمد فارابی - تصور - تصورات
(۴) ارسطاطالیس حکیم یونانی - تصور - تصورات
- ۴- براساس اقسام علم و ادراک، صورت ذهنی بدون حکم و قضاوت را می‌نامند مانند
(۱) تصور، مرد آمد
(۲) تصدیق، مرد آمد
(۳) تصدیق، مردی که آمد
(۴) تصور، مردی که آمد
- ۵- کدام دسته از معلومات زیر همگی «تصور» هستند؟
(۱) باهوش بودن حسن، خورشید، شوری ناهار امروز
(۲) منطق، دنیا کوچک است، شجاعت
(۳) دریای خون، ملت شریف ایران، امام آمد
(۴) حکم به خزنه نبودن گاو، جزیره، این کودک
- ۶- برای رسیدن به یک مفهوم و تصور، از بهره می‌بریم و راه رسیدن به یک حکم و تصدیق جدید، است.
- (۱) چرایی، استدلال، استدلال
(۲) چیستی، تعریف، استدلال
(۳) چرایی، تعریف، استدلال
(۴) چیستی، استدلال، استدلال
- ۷- به ترتیب کسی که «انرژی اتمی» را نمی‌شناسد، چگونه می‌توان آن مفهوم را برایش معلوم کنیم؟ این که «داشتن انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست.» را چگونه اثبات می‌کنیم؟
(۱) تفکر - استدلال
(۲) استدلال - تعریف
(۳) تعریف - تفکر
(۴) تعریف - استدلال
- ۸- کدام گزینه‌ی زیر می‌تواند مطلوب یک استدلال واقع شود و آن را اثبات کند؟
(۱) کجا رفتی؟ چرا من بی‌قرارم؟
(۲) آخرین نماز جمعه‌ی ماه مبارک رمضان
(۳) گاو خزنه نیست
(۴) مردم بالادست چه صفایی دارند
- ۹- تصور مجهول را باید از و تصدیق مجهول را باید از به دست آورد.
- (سراسری ۸۳)**
- (۱) تصدیق‌های مجهول - تصورات مجهول
(۲) تصورات مجهول - تصدیق‌های مجهول
(۳) تصدیق‌های معلوم - تصورات معلوم
(۴) تصورات معلوم - تصدیق‌های معلوم
- ۱۰- داشتن و نداشتن حکم، به ترتیب بیانگر و که می‌تواند و شود.
- (۱) علم، جهل، تفکر، روشنگری
(۲) تصور، تصدیق، تعریف، استدلال
(۳) تصدیق، تصور، استدلال، تعریف
(۴) تصدیق، تصور، تعریف، استدلال
- ۱۱- مجموع تصورات معلومی که منجر به معلوم شدن مفهوم دیگری می‌شود و تصور مجهول معلوم شده و مجموعه‌ی این فرآیند ذهنی را گویند.
- (۱) معرفّ، معرفّ، تعریف
(۲) معرفّ، معرفّ، تعریف
(۳) مقدمه، مقدمات، استدلال
(۴) مقدمه، نتیجه، استدلال

۱۲- به اعتراف ، تمام فعالیت‌های ذهن بشر، ضمن بودن، در مسیر عمل می‌کند.

(۱) فارابی، ساده و طبیعی، تعریف و استدلال (۲) فارابی، پیچیده و گسترده، کشف و توسعه‌ی علم

(۳) ارسطو، پیچیده و گسترده، تعریف و استدلال (۴) ارسطو، ساده و طبیعی، کشف و توسعه‌ی علم

۱۳- این که در تعریف «منطق» بگوییم: «دانش تشریح طرز کار ذهن برای تفکر بهتر» معرف کدام است؟

(۱) دانش (۲) منطق (۳) دانش تشریح طرز کار ذهن (۴) تفکر بهتر

۱۴- آنگاه که معلومات تصویری و تصدیقی منجر به کشف مجهول شوند و آنگاه که قواعد و اصول درست اندیشیدن آموخته

شوند به ترتیب و علم منطق محقق می‌گردد.

(سراسری ۸۷)

(۱) تعریف - موضوع (۲) موضوع - فایده (۳) موضوع - تعریف (۴) تعریف - فایده

۱۵- کارکردها و موضوعات علم منطق چیست و آدمی چه هنگام می‌تواند مرتکب خطای فکر شود؟

(۱) تفکر و استدلال - هنگام سازماندهی احکام و قضایا برای رسیدن به نتایج جدید

(۲) تعریف و استدلال - هنگام روشن کردن تصورات مجهول با اندوخته‌های پیشین

(۳) تعریف و استدلال - هنگام روشن کردن تصورات مجهول یا در رسیدن به نتایج جدید

(۴) تفکر و تعریف - هنگام سازماندهی احکام و قضایا یا در رسیدن به اندوخته‌های پیشین

۱۶- از چه موردی به عنوان «دروازه‌ی ورود به هر علم» یاد می‌کنند و منطق در این باره چه نقشی دارد؟

(۱) تعریف اصطلاحات و مفاهیم آن علم - تبیین قواعد تعریف

(۲) آشنایی با مفاهیم اصلی و قضایای آن علم - تبیین تعریف دقیق

(۳) تعریف اصطلاحات و مفاهیم آن علم - تعریف درست هر مفهوم علمی

(۴) آشنایی با مفاهیم اصلی و قضایای آن علم - تبیین قواعد تعریف و استدلال درست

۱۷- با توجه به کارکردهای اصلی منطق می‌توان گفت، هدف «منطق»:

(۱) آموزش شیوه‌ی درست اندیشیدن است. (۲) درست تعریف کردن مفاهیم مجهول است.

(۳) آموزش طرز کار طبیعی ذهن است. (۴) درست استدلال کردن قضایای مجهول است.

۱۸- موارد زیر راه‌های شناساندن یک مفهوم است به جزء

(۱) تعریف مفهومی: با استفاده از مفاهیم معلوم پیشین و با رعایت قواعد تعریف

(۲) تعریف عملی: در آزمایشگاه و با استفاده از ابزار آزمایشگاهی

(۳) تعریف مصداقی: از طریق اشاره به نمونه‌ی خارجی و مصداق بیرونی

(۴) تعریف نظری: با تبیین طرز کار ذهن و تبیین قواعد منطق

۱۹- آنگاه که قضایای معلوم، یاور و مدد رسان انسان به کشف قضیه‌ی مجهول قرار گیرد و آنگاه که تصورات معلوم،

(سراسری فارغ کشور ۸۷)

وسایله‌ی فهم تصور مجهول شود، به ترتیب کدام امر تحقق پیدا می‌کند؟

(۱) تصرف ذهن در معلومات تصدیقی (حجت) - تصرف ذهن در معلومات تصویری (معرف)

(۲) تصرف ذهن در معلومات تصدیقی (حجت) - تصرف ذهن در معلومات تصویری (استدلال)

(۳) وسیله‌ی قرار دادن تصورات معلوم (معرف) - وسیله‌ی قرار دادن تصدیقات معلوم (حجت)

(۴) وسیله‌ی قرار دادن تصورات معلوم (استدلال) - وسیله‌ی قرار دادن تصدیقات معلوم (معرف)

۲۰- هرگاه «انسان» را به موجود دو پای که بال و پر ندارد، تعریف کنیم، چه ایرادی به آن وارد است؟

(۱) جامع و مانع نبودن تعریف (۲) عدم استفاده از مفاهیم ذاتی و درونی

(۳) عدم ترکیب درست مفاهیم از کلی به جزئی‌تر (۴) مانع اغیار نبودن تعریف

۲۱- تعریف «دایره» به «شکل منحنی‌الدور»، «انسان» به «حیوان دویا» و «شتر» به «حیوان دوکوهانه». به ترتیب چگونه است؟

(۱) تعریف «دایره و انسان»، اعم بوده و مانع نیست ولی تعریف «شتر»، اخص بوده و جامع نیست.

(۲) تعریف دایره، انسان و شتر، همگی اخص بوده و شامل همه‌ی افراد معرفّ خویش نمی‌شود.

(۳) تعریف دایره، انسان و شتر، همگی اعم بوده و مانع دخول اغیار نیست و افراد اضافه را دربرمی‌گیرد.

(۴) تعریف دایره، انسان، اخص بوده و جامع همه‌ی افراد معرفّ خویش نیست ولی تعریف شتر، اعم بوده و مانع نیست

۲۲- بیت «چون سر و کارت با کودک فتاد زبان کودکی باید گشاد» به کدام قاعده‌ی تعریف تأکید می‌کند؟

(۱) جامع و مانع بودن تعریف (۲) استفاده از حداقل یک مفهوم درونی در تعریف

(۳) استفاده از مفاهیم روشن و غیرمبهم در تعریف (۴) استفاده از مفاهیم مرتبط در تعریف

۲۳- تعریف «آتش» به «عنصری شبیه نفس انسان» و تعریف «شیعه» به «مسلمانی که قایل به دوازده امام باشد» به ترتیب

(سراسری ۸۸ با اندکی حذف)

موصوف به کدام وصف است؟

(۱) معرفّ اخصّ از معرفّ است - معرفّ اعمّ از معرفّ است. (۲) معرفّ اجلی از معرفّ نیست - معرفّ اخصّ از معرفّ نیست.

(۳) معرفّ اعمّ از معرفّ است - معرفّ اخصّ از معرفّ است. (۴) معرفّ، اجلی از معرفّ نیست - معرفّ اخصّ از معرفّ است.

۲۴- آن‌گاه که گفته می‌شود «تعریف به اعمّ جایز نیست و تعریف به اخصّ هم جایز نیست.» به ترتیب کدام یک از شرایط

(سراسری خارج کشور ۸۶)

تعریف می‌شود؟

(۱) جامع افراد باشد - مانع دخول اغیار باشد. (۲) اجلی از معرفّ باشد - مانع دخول اغیار باشد.

(۳) اجلی از معرفّ باشد - جامع افراد باشد. (۴) مانع دخول اغیار باشد - جامع افراد باشد.

(آزاد ۸۴)

۲۵- «جسم نامی حساس» در تعریف حیوان، چه نوع تعریفی است؟

(۱) جامع و مانع (۲) فقط جامع (۳) فقط مانع (۴) نه جامع و نه مانع

۲۶- هرگاه «مربع» را به شکلی که چهارضلع مساوی دارد، و «زمین» را به سیاره‌ای که دورخورشید می‌چرخد، تعریف کنیم،

(سراسری ۹۰ با اندکی تغییر)

تعریف ما به ترتیب و «موضوع» در دو قضیه‌ی موردنظر، و است.

(۱) جامع - مانع - نیست - جزئی - کلی (۲) جامع - جامع - است - کلی - جزئی

(۳) مانع - مانع - نیست - جزئی - کلی (۴) مانع - مانع - است - کلی - جزئی

۲۷- هرگاه «شیعه» را به «مسلمان معتقد به خلافت»، «مسلمان معتقد به پنج امام» و «شخص معتقد به پیامبراکرم(ص)»،

تعریف کنیم، به ترتیب چگونه تعریفی‌اند؟

(۱) مانع، جامع، مانع (۲) جامع، مانع، جامع

(۳) نه جامع و نه مانع، جامع، مانع (۴) نه جامع و نه مانع، مانع، جامع

۲۸- هرگاه در تعریف «مستطیل» بگوییم: «شکل چهارضلعی که اضلاع آن دو به دو موازی‌اند» بر کدام قاعده‌ی تعریف، مهر

تأیید زده‌ایم؟

(۱) جامع همه‌ی افراد معرفّ بودن (۲) مانع دخول اغیار بودن

(۳) ترکیب درست مفاهیم تعریف (۴) استفاده از مفاهیم ذاتی و عرضی

۲۹- چرا تعریف برخی مفاهیم نظیر آزادی، دینداری، کشور، زندگی و ... مشکل و دشوار است؟ به علت:

(۱) پیچیدگی و گستردگی این مفاهیم (۲) پیچیدگی و برداشت مختلف از این مفاهیم

(۳) بدیهی و بالذات روشن بودن این مفاهیم (۴) سادگی و گستردگی این مفاهیم

۳۰- در بحث تصورات، وظیفه‌ی منطق است و در صورت بیان تعریف یک مفهوم علمی، از باب است.

(۱) تعریف و تبیین اشیا - آموزش (۲) تبیین پنج قاعده‌ی تعریف - کارکرد اصلی

(۳) تبیین پنج قاعده‌ی تعریف - آموزش (۴) تعریف و تبیین اشیا - کارکرد اصلی